

• (أتواصوا به .. سبحانك يا رب) ..

• آیا (به این کار) یکدیگر را وصیت کرده‌اند؟... پروردگارا تو منزهی

والله، إنها للوعة تدمي القلب لألم قلبك أيها العبد الصالح، مما فعله ويفعله فقهاء الضلالة، قلعة إبليس المدخرة لقتالك قبل اليوم المعلوم بل آخر قلاعه، وكم قتلها عنهم: مالي وما لهؤلاء الحمقى الذين لا يكادون يفقهون قولاً.

به خدا سوگند سوز دلت، ای عبد صالح از آنچه که این فقهای گمراه کردند و می‌کنند، دل را به خون می‌نشانند. این فقها، همان دژ ابلیس‌اند که برای نبرد با تو قبل از فرا رسیدن روز معلوم ذخیره شده، و بلکه آخرین دژ او است؛ و چه بسیار درباره‌ی آنها گفته‌ای: مرا چه کار با این جاهلانی که (هیچ سخنی را نمی‌فهمند).

وحقاً أنت لست من أهل هذا العالم، لا مذراك موسى وتعلم منك، ولا يوم أنزلك الله لتحمل كأس الصلب ومرارته بدل عيسى، ولا يوم كنت أسداً مع جدك تكرر معه في كراته لإرغام أنوف الكافرين بذي فقاره، ولا حتى اليوم.

حقیقتاً که شما اهل این دنیا نیستی؛ نه از آن زمانی که حضرت موسی تو را دید و از شما علم فرا گرفت، و نه از آن زمان که خداوند شما را فرود آورد تا به جای حضرت عیسی کاسه‌ی زهر به‌دار آویخته‌شدن و تلخی آن را بنوشی، و نه از روزی که به همراه جدت، شیری بودی که با ذوالفقارش برای به خاک مالیدن بینی کفار حمله‌ور می‌شدی، و نه حتی امروز.

ثم والله، إني لاستقبح دنيا جمعتك بهؤلاء الطغاة الجهلة وفقههم الشيطاني، لولا الرضا بقضائه سبحانه، وكم قتلها: أنا ميت أسير بين الناس، فساعد الله قلبك الشريف، ولله صبرك، ويا عجباً منه في الوقت ذاته، وإلا فليس عندي أدنى شك في أنّ ربك الذي أرسلك لأنت أكرم عليه من أن يردّ لك دعوة وأنت بقية آل محمد، ولله أمر بالغه بك أيها الحبيب.

به خدا سوگند من دنیایی که این طاغوتیان جهالت پیشه و فقهای شیطانی را به همراه شما گرد هم آورده زشت می‌شمارم اگر رضا به قضای خدای سبحان نبود، و چه بسیار گفته‌ای: من مرده‌ای هستم که بین مردم اسیرم. خداوند دل شریف را یاری فرماید و صبر ارزانی شما گرداند! و وا عجباً از او در این زمانه؛ وگرنه هیچ شکی ندارم به اینکه خدایی که شما را فرستاد بر شما بخشنده‌تر از این است که دعوتی را برای شما رد کند در حالی که شما باقی‌مانده‌ی خاندان محمد هستید، و برای خداوند امری است که با شما آن را انجام خواهد داد، ای حبيب!

هل توأصى فقهاء آخر الزمان به، وبحربه، وأذاه في نفسه وأهل بيته، وأنصاره، بل في دين الله كله؟ نعم، توأصوا بذلك كله مع طغاتهم وأتباعهم.

آیا فقهای آخرالزمان، یکدیگر را به این کار، به جنگ با او، اذیت رساندن به خودش و اهل بیتش و انصارش و بلکه در کل دین الهی، سفارش کرده‌اند؟ آری. به انجام تمام این کارها سفارش کرده‌اند، به همراه طاغوتیان و پیروان خویش!

وهذا بعض كلامه وهو يصف حالهم وألمه منهم، يقول (عليه السلام): (هم الظاهر لا يتعظون وإلا فقد أوصلهم العداء لدعوة الحق إلى أن يسطّروهم التاريخ في خانة الحجاج وابن زياد، فأى رذيلة وجريمة لم يخوضوا فيها بعد أن عادوا الحق، حتى وصل الأمر أن الإعلام يتكلم عنهم بارتكاب جرائم الاغتصاب في السجون التي يستحي منها حتى أسفل الطغاة، ولكن سبحانك لا إله إلا أنت (أَتَوَاصُوا بِهِ بَلِّغْهُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ) (1).

بخشی از کلام احمد الحسن (علیه السلام) در توصیف وضعیت آنها و درد و رنجی که از آنها می‌کشد چنین است: «ظاهراً آنها خیال پند گرفتن ندارند؛ چرا که دشمنی با دعوت حق، ایشان را به جایی رسانده است که تاریخ، آنها را هم‌ردیف حجاج و ابن زیاد ثبت خواهد کرد. بعد از آن که با حق به خصومت برخاستند، در کدام فرومایگی و جنایتی غوطه‌ور نشده‌اند؟! حتی کار به جایی رسیده است که رسانه‌ها از تجاوز به عنف در زندان‌ها سخن می‌گویند، کاری که حتی پست‌ترین ظالمان و سرکشان نیز از آن شرم می‌کنند، و **لکن سبحانک لا اله الا انت**.» (آیا به این کار یکدیگر را وصیت کرده بودند؟ بلکه خود مردمی طاغی بودند) (2).

هم اليوم تسكرهم السلطة ولا يلتفتون إلى أن التاريخ يسطر لهم أعمال الخزي والعار التي ارتكبها الحجاج ويزيد وابن زياد، فأى فرق بينهم وبين من سبقهم؟! أبى الله إلا أن تصدق كلمات الظاهرين (عليهم السلام): "كل راية قبل القائم راية طاغوت" (3).

امروزه اینها سرمست قدرت و فرمانروایی‌اند و متوجه نیستند که تاریخ، اعمال ننگین آنها را که

1. الذاریات: 53.

2 - ذاریات: 53.

3. الكافي: ج 8 ص 295.

حجاج و یزید و ابن زیاد نظیر آن را مرتکب شده‌اند به ثبت می‌رساند. پس چه فرقی است بین اینها و پیشینیان‌شان؟! خداوند امتناع دارد جز این که کلمات ائمه‌ی طاهرین (علیهم السلام) را تایید و تصدیق فرماید که: «هر پرچمی قبل از قائم، پرچم طاغوت است»^۴.

هل بعد هذه التصرفات والجرائم التي ترتكبها المرجعيات والحكومات الطاغوتية يشك أحد مهما كان أنّ هؤلاء طواغيت. فربما يخدعون الآن قوماً يتابعونهم وتلوّث أيديهم بجرائمهم، ولكن من يأتي غداً سيتصفح المواقف وينظر ويرى بوضوح أنهم طغاة كمن سبقهم.

آیا پس از این اقدامات و جنایت‌هایی که هواداران مراجع و حکومت‌های طاغوتی انجام داده‌اند، کسی، هر کسی که باشد، در این که اینها طاغوت و ستمگر هستند، تردید می‌کند؟! شاید در حال حاضر گروهی فریب بخورند و از آنها دنباله‌روی کرده و دست‌ان‌شان را به انجام جنایت‌هایی که انجام می‌دهند آلوده سازند، لیکن کسی که فردا می‌آید موضع‌گیری‌ها را بررسی خواهد کرد و به وضوح می‌بیند و درمی‌یابد که اینها طاغوتیانی همانند پیشینیان خود، بوده‌اند.

الأنصار إلى اليوم في السجن، وفي أكثر من دولة بتحريض من المراجع، إنها نفس أساليب الطغاة الذين سبقوهم، والحمد لله.

تا به امروز با تحریک مراجع، در بیش از یک کشور، انصار روانه‌ی زندان‌ها شده‌اند. این همان شیوه‌هایی است که طاغوتیان، پیش از آنها به کار گرفته‌اند. و الحمدلله.

نحن أيضاً تفضّل الله علينا بنفس ألم ومعاناة الأنبياء والأوصياء (عليهم السلام)، سنة الله.

خدا ما را با همان رنج و گرفتاری انبیا و اوصیا (علیه السلام) فضیلت عنایت کرده و این سنت الهی است.

والله ، إنّ الحياة مع هؤلاء الطغاة الظالمين برم وملل وألم، والموت والخلص منهم راحة ونعيم . هنيئاً للشهداء رحلوا وتركونا مع هؤلاء الملعين).

به خدا سوگند زندگی با این طاغوتیان بی‌دادگر، مایه‌ی ملالت و بدبختی و رنج است، و مرگ و خلاصی از آنها، مایه‌ی راحتی و شادکامی! گوارای شهدا باد! رحلت کردند و ما را با این گروه

فقلت وقد اعتصرني الألم: الحمد لله، الله يفرج عن آل محمد.

در حالی که درد وجودم را در چنگال خویش می‌فشرد گفتم: الحمد لله. خدا به آل محمد فرج عطا می‌فرماید.

فقال (عليه السلام): (آل محمد، الله فرج عنهم، قد بينا الحق، هل ترى أنّ هناك شيئاً غير واضح قد بقي، بينا الأمر بصورة كما وصفت "أبين من الشمس" (5)، ولكن الناس لا يريدون الحق، ماذا نفعل لمن يختارون طريق إبليس عن علم ودراية ومعرفة كما وصفهم أمير المؤمنين (عليه السلام): "خلق أشباه الكلاب" (6)).

فرمود: «خدا به آل محمد فرج عنایت کرده است. ما حق را بیان کرده‌ایم. آیا به نظرت چیز مبهمی باقی مانده است؟ این امر را به همان صورت که وصف شده یعنی «(روشن‌تر از خورشید)»^۷ نمایان ساخته‌ایم ولی مردم خواهان حق نیستند. برای کسانی که با دانش و علم و معرفت، راه ابلیس را برمی‌گزینند چه باید بکنیم؟ همان کسانی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنها را به مردمی چونان سگها (خلق اشباه الكلاب)^۸ توصیف کرده است».

* * *

5. غيبة النعماني: ص 154.

6. بحار الأنوار: ج 2 ص 84.

۷ - غيبت نعماني: صفحه 154.

۸ - بحار الانوار: جلد 2 صفحه 84.